



## منادی وحدت اسلامی

داوری رسانه‌های خبری جهان درباره کارنامه علمی و عملی علامه شهید عارف حسین حسینی

**روزنامه نوای وقت:** این روزنامه با اظهار تاسف در سرمقاله شماره ۶ اوت ۱۹۸۸ نوشت:

«تا وقتی قاتلین دستگیر نشوند، عوامل قتل آشکار نمی‌شود. البته مرگ نابهنگام علامه عارف حسین حسینی کمتر از یک فاجعه نیست. آن مرحوم فقط ۴۵ سال داشت و برای احراز مقام منحصر به فرد در صفوف ملی، با جرئت و سرعت زیاد در حال پیشرفت بود که فرصت نیافت و دعوت خداوند را لبیک گفت.»

**روزنامه مرکز اسلام آباد شماره ۶ اوت ۱۹۸۸ (سرمقاله):**

«شهادت علامه عارف حسین حسینی که رهبر نهضت اجرای فقه جعفری» و پرچمدار وحدت بین مسلمین بود، فاجعه‌ای ملی است که هر دوستدار وطن را به سوگ نشاناند. گلوله قاتل نه تنها یک سیاستمدار مدبر که یک عالم دینی متبحر را از ما گرفت. کسی که متانت و موقع‌شناسی او تضمین‌کننده علم و آگاهی بود، از پاراچنار طلوع و در پیشاور غروب کرد؛ ولی شعاع حضور وی تا زمان‌های دور، چراغ محبت‌ها را روشنایی و جلاء خواهد بخشید. این سرباز فداکار اسلام که در حال وضو، شربت شهادت را نوشید، به ما درس می‌دهد که بقای ملت و مملکت و استحکام ملی، منحصر به بقای محبت، اخوت و هماهنگی است.»

**روزنامه انگلیسی زبان فراتاپریست شماره ۶ اوت ۱۹۸۸:**

«در میان کسانی که برای استقرار جمهوریت در پاکستان مبارزه می‌کردند، علامه عارف حسینی از شخصیت‌های طراز اول بود. از زمانی که او «نهضت اجرای فقه جعفری» را روی خطوط سیاسی منظم و استوار کرد، این نهضت در میان گروه‌های دیگری که برای جمهوریت مبارزه می‌کردند، نقش اساسی ایفا کرد. روشن است که علامه در موفقیت اهداف نهضت بالاترین نقش را داشت. او بدون پروا از عوامل خرابکار انتقاد می‌کرد.»

جمهوریت، چنین بازی خطرناکی فقط کار آمریکا می‌تواند باشد.

**روزنامه جنگ:** این روزنامه در سرمقاله شماره ۷ اوت ۱۹۸۸ نوشت:

«این قتل نتیجه توطئه دشمنان پاکستان است و ما باید با حفظ وحدت، اهداف و مقاصد شوم دشمنان را نقش بر آب کنیم... ما فکر می‌کنیم که در پشت قضیه قتل علامه عارف حسینی، به‌طور قطع دست قدرت‌های پنهانی است که از دیرباز می‌خواهند پاکستان را به بی‌ثباتی، ناآرامی و عدم استحکام مبتلا کنند.»

همین روزنامه یک روز پیش یعنی در ۶ اوت ۱۹۸۸ در سرمقاله خود نوشت:

«علامه عارف حسینی رهبری بزرگ برای مکتب فکری تشیع و دانشمند دینی ممتازی بود. همه

کسی که برای استکبار و استعمار جهانی در منطقه خود دردسرساز ایجاد کرد و خواب را از چشمان دست‌نشانندگان استعمار ربود و توطئه‌های ویرانگر حکام دست‌نشاننده حجاز را فاش ساخت، به دست چه کسی می‌تواند کشته شده باشد؟ بیداری مسلمانان و وحدت آنها به‌طور خاص برای مزدوران قدرت‌های بزرگ و حکومت سعودی سم کشنده است. در زیر نقاب اسلام هدف اساسی وهابی‌ها همین بوده است که آتش تعصب فرقه‌ای را در میان مسلمانان بیفزورند و آنها را از حقایق دور نگه دارند.

محافل دینی برای ایشان، احترام بسیار قائل بودند. او بسیار باوقار، متین و داعی وحدت بین همه گروه‌ها و طبقات مسلمین بود. مرگ او مرگ یک دانشمند دینی و رهبر باوقار سیاسی است.»

انتشار خبر شهادت علامه فقید عارف‌الحسینی، زمینه داوری بسیاری از بنگاه‌های خبری پاکستان و جهان را در باب کارنامه علمی و شیوه رهبری او را فراهم ساخت. این رسانه‌ها اگرچه از مناظر متفاوت به کارکرد او نگریستند، اما می‌توان از میان اظهارنظرهای آنان به محورهایی مشترک دست یافت که طراز دیدگاه فعالین سیاسی پاکستان و جهان را درباره آن شهید روشن می‌سازد. آنچه در پی می‌آید پاره‌ای از این داوری‌هاست که می‌تواند دست‌مایه محققین در تبیین کارنامه آن عالم مجاهد باشد.

**روزنامه امن:** این روزنامه در سرمقاله شماره ۶ اوت ۱۹۸۸ نوشت: «درگیری‌های فرقه‌ای و قومی در مناطق پاراچنار، بنون و بعضی مناطق دیگر در سال گذشته به وقوع پیوست و اوضاع هنوز هم آرام نشده است. چند هفته پیش همین درگیری‌ها در «گلگت» نیز واقع شد که به صورت خطرناکی درآمد و شیعیان احساس کردند که حکومت برای حفظ جان و مال آنها اقدامات موثری را انجام نمی‌دهد. در پی حوادث مناطق شمالی «گلگت»، قتل علامه سید عارف حسین حسینی، اوضاع را متشنج‌تر و وخیم‌تر کرد که اگر در عکس‌العمل این اوضاع، وقایعی اتفاق بیفتد، برای هیچ‌کدام از گروه‌های پاکستان، خوشایند نخواهد بود.»

همین روزنامه در سرمقاله روز بعد یعنی ۱۷ اوت ۱۹۸۸ نوشت: «مرحوم علامه برای وحدت بین تمام مسلمانان تلاش می‌کرد و زندگی خود را برای خدمت به اسلام وقف کرده بود و در راه همین اهداف خود جان سپرد. علامه عارف حسینی «رضوان‌الله تعالی علیه» تنها رهبر «نهضت اجرای فقه جعفری نبود»، بلکه انگیزه‌ای را دنبال می‌کرد که وحدت بین تمام مسلمانان در سرلوحه برنامه‌های آن قرار داشت.»

در آستانه ماه محرم الحرام برای تحکیم قدرت حکومت ضیاءالحق و دور کردن ملت از

روزنامه انگلیسی زبان مسلم، چاپ اسلام آباد، در شماره ۶ اوت ۱۹۸۸ نوشت:

«علامه زندگی خود را علاوه بر حفظ منافع شیعیان در اعتلای دین اسلام صرف کرد. او هدف نهضت (حزب) خود را در این کلمات بیان داشت: ما برای اسلام مبارزه می‌کنیم که بالاتر از گروه‌گرایی است. وی در سال ۱۹۸۷ «نهضت اجرای فقه جعفری» را در یک اجتماع بزرگ در لاهور - که در نوع خود بزرگ‌ترین اجتماع مردم بود - تبدیل به یک حزب سیاسی کرد. منشور حزب او خواهان تغییرات جدی در زمینه اقتصادی و اجتماعی برای برقراری نظام حقیقی اسلام بود. او غالباً تأکید می‌کرد که در منشور، ذکری از کلمه شیعه یا سنی به میان نیاید و سخن فقط درباره اسلام و مسلمین باشد.

کوشش‌های وی در راه گسترش برادری و دوستی بین شیعه و سنی به عنوان یادگارهای بزرگی از خدمات ارزشمند وی به ملت و مملکت در صفحه تاریخ جاوید خواهد ماند. او زندگی خود را برای مبارزه با استعمارگران نیز وقف کرد. او غالباً می‌گفت: تا وقتی که ما کشورهای خود را از یوغ استعمارگران نجات ندهیم، هیچ‌وقت نمی‌توانیم در اجرای نظام اسلامی موفق شویم. نظریات وی او را به یکی از مخالفین شدید حکومت تبدیل کرده بود، زیرا او حکومت موجود را وسیله اجرای نظام اسلام نمی‌دانست، بلکه مسئول استثمار مردم می‌دانست. عارف حسینی که در راه احقاق حقوق ملت مسلمان تلاش زیادی کرد، هیچ‌وقت از یادها

**شهادت عالم مجاهد حجت‌الاسلام سید عارف حسین حسینی در شهر پیشاور پاکستان که به دست عوامل استکبار صورت گرفت، بیش از هر چیز به نقطه عطفی در حکومت توفنده انقلاب اسلامی در پاکستان و به‌طور کلی شبه قاره هند تبدیل خواهد شد. این اقدام به‌خوبی نشان داد که استکبار در صدد انتقام گرفتن از انقلاب اسلامی از طریق ترور چهره‌های فعال آن در نقاط مختلف جهان است.**

نمی‌رود».

**نشریه هفتگی رضاکار، یکم تا هشتم اوت ۱۹۸۸، نشریه لاهور:**

«شخصیت علامه حسینی در نظر عوامل استعمار و در راه منافعشان یک مانع جدی بود. خدمات او به مردم مسلمان محروم و ستم‌دیده پاکستان و تلاش‌های وی در راه احقاق حقوق ملت مسلمان هیچ‌وقت از یادها نمی‌رود. تحت رهبری قاطعانه و شجاعانه ایشان «نهضت اجرای فقه جعفری» تصمیم بزرگ و تاریخی خود را گرفت و طبق آن شیعیان پاکستان در جریان کلی اجتماعی ملی پاکستان قرار گرفتند و در راه محافظت از منافع ملی و مبارزه برای به دست آوردن حقوق قانونی با گروه‌های دیگر پاکستان، سهیم و شریک شدند.

عوامل پشت پرده قتل بی‌رحمانه او هر که باشد، یک حقیقت، خیلی واضح و آشکار است که فضای برادری و برابری که توسط او در میان ملت مسلمان پاکستان ایجاد گردید، برای عوامل و مزدوران استعمار و چپاولگران حقوق قانونی ملت، قابل تحمل نبود، به همین علت، این عناصر سودجو در مواقع و موارد زیادی موانعی را بر سر راه نهضت انقلابی «وحدت بین مسلمین» ایجاد کردند.

**نشریه پانزده روز «ارشاد»، چاپ کراچی نوشت:**

«بعد از تجزیه هندوستان بزرگ و استقلال پاکستان، علما و دانشمندانی که ملت ما از وجود آنها بهره‌مند شد، اولاً تعدادشان خیلی کم بود و ثانیاً آنها بیش از نیمی از زندگی خود را گذرانده بودند و بعد از آن این چراغ‌های علم و فضل یکی بعد از دیگری خاموش شدند و دنیای ملی ما در تاریکی فرو رفت؛ ولی از خوش‌شانسی به‌زودی خداوند،

رهبری مفتی جعفر حسین «رضوان‌الله‌عالی‌علیه» به ما عطا کرد که در مدت کمی محور اعتماد همه شیعیان قرار گرفت. بعد از آن خداوند بر ما منت نهاد و نعم‌البدل آقای مفتی را به ما عطا فرمود و آن شخصیت برجسته علامه سید عارف حسین حسینی بود که با وجود ایشان آینده ما روشن شد، ولی افسوس از تقدیر ملت که این خوشبختی ما هم دوام نیافت و در جمعه، پنجم اوت ۱۹۸۸، به هنگام سحر، این خورشید رهبری ما به دست این ملجسم زمان غروب کرد و زندگی ملی ما را تاریکی مطلق فرا گرفت».

**دو هفته‌نامه «المظهر»، چاپ پیشاور، در شماره ۹ اوت ۱۹۸۸ نوشت:**

«قتل علامه عارف حسین حسینی، نتیجه یک توطئه از پیش طرح‌ریزی شده استکبار جهانی است. ریشه‌های اختلاف و تفرقه‌ای که توسط مسلمان‌نماهای مزدور استعمار در میان صفوف مسلمانان ایجاد می‌شود، بر هر پاکستانی آگاهی آشکار است، پس آیا ممکن است حکومت پاکستان از آن آگاه نباشد؟ تا وقتی که شخصیت‌هایی مانند علامه عارف حسین حسینی: شهید ملت اسلام در پاکستان وجود داشته باشند، حجت بر همگان تمام است از هر قطره خون شهید ملت اسلام، یک عارف حسین متولد خواهد شد که از اسلام همان طور دفاع خواهد کرد که امام حسین (ع) برای حفظ دین محمدی (ص) دفاع و محافظت کرد».

**هفته‌نامه ندای «جعفریه» از کراچی می‌نویسد:**

«بعد از کشته شدن علامه سید مهدی حکیم در سرزمین سوودان، آیت‌الله سید محمد باقر صدر در سرزمین عراق و امام صدر در لبنان، بار دیگر دست خون‌آشام شیطان بزرگ و استکبار جهانی «آمریکا» از آستین ذلت‌بار مزدورانش در پاکستان بیرون آمد و تاریخ فرعون و نمرود و شداد و یزید لعنت‌الله علیهم را تکرار کرد. روز جمعه پنجم اوت ۱۹۸۸ چه روز خونینی بود. وقتی در یک کشور اسلامی که لایحه شریعت به اجرا درآمده است، یک رهبر نیرومند دینی و پاسدار شریعت را در حال به جا آوردن احکام شریعت در خون خودش غسل دادند... الله اکبر... آیا این را نظام اسلامی می‌گویند؟ آیا همین جمهوری اسلامی است؟ (طبق قانون اساسی پاکستان، اسم رسمی پاکستان جمهوری اسلامی پاکستان است)».

**دو هفته‌نامه «امامیه» از کراچی نوشت:**

«آه...! جهان اسلام با شهادت رهبر محبوب شیعیان پاکستان، علامه سید عارف حسین حسینی، یک رهبر برجسته مذهبی را از دست داد. رهبری که برای وحدت بین مسلمین تا آخرین لحظات زندگی خود مخلصانه خدمت کرد. اسلام از مجاهد عظیمی که همیشه با استکبار جهانی و قدرت‌های شرق و غرب استعماری و صهیونیستی مبارزه می‌کرد، محروم شد و کشور پاکستان یک دوستدار راستین وطن و محافظ منافع ملی و داعی ایجاد جمهوریت و پاسدار حقوق شیعیان و پرچمدار حفاظت از عزاداری امام حسین (ع) را از دست





علیه علمای دین و اسلام فاش و این مطلب را اثبات کرد که او نماینده بر حق حضرت امام خمینی رضوان الله علیه و رهبر حقیقی شیعیان پاکستان بود. استکبار جهانی سخت در اشتباه است که فکر می‌کند با شهید کردن شخصیت‌های طرفدار واقعی از نهضت جهانی اسلام، در این نهضت می‌تواند ضعف و رکود ایجاد کند. خون شهید عارف حسین به‌طور یقین چهره کریمه استکبار و

خاندان سعودی را بیش از پیش نمایان می‌کند. «مجله توحید» شماره محرم و صفر ۱۴۰۹ نوشت:

«کسی که برای استکبار و استعمار جهانی در منطقه خود در دسر ایجاد کرد و خواب را از چشمان دست‌نشاندهگان استعمار ربود و توطئه‌های ویرانگر حکام دست‌نشانده حجاز را فاش ساخت، به دست چه کسی می‌تواند کشته شده باشد؟ بیداری مسلمانان و وحدت آنها به‌طور خاص برای مزدوران قدرت‌های بزرگ و حکومت سعودی سم کشنده است. در زیر نقاب اسلام هدف اساسی وهابی‌ها همین بوده است که آتش تعصب فرقه‌ای را در میان مسلمانان بیفزوند و آنها را از حقایق دور نگه دارند، قدرت یک میلیارد مسلمان جهان را تضعیف کنند تا بدین وسیله بتوانند جای پای خود را در کشورهای اسلامی محکم کنند. بر همین اساس نقش سعودی‌ها و وهابی‌ها در قتل رهبر شیعیان پاکستان بسیار محتمل و برنامه و توطئه بسیار سنجیده استعمار است، چون در کشور مسلمانی مانند پاکستان، «نهضت اجرای فقه جعفری» و به‌طور خاص شخصیت رهبر شیعیان پاکستان در این زمان، برای استعمار آمریکا، خطر جدی بود و هر روز که می‌گذشت، نه تنها برای آمریکا بلکه برای بزرگ‌ترین مهره او در منطقه (عربستان سعودی) نیز مصیبت بزرگ‌تری می‌شد، لذا طبق یک نقشه سری، از یک سو، مسئولین بزرگ نهضت را در مکه معظمه به جرم برگزاری تظاهرات برائت از مشرکین دستگیر می‌کنند که در میان آنها نائب رئیس نهضت، حجت‌الاسلام فاضل موسوی نیز وجود داشت و از سوی دیگر رهبر شیعیان پاکستان را به قتل می‌رسانند تا بتوانند بزرگ‌ترین ضربه را بر قدرت در حال رشد نهضت و موضع

داد. او به مسلمانان این آگاهی را داد که بدون وحدت بین مسلمین، مجد و عظمت مسلمانان باز نمی‌گردد، لذا تا جایی که ممکن است باید کسانی که به خداوند واحد و یکتا ایمان دارند و شهادت به پیامبری حضرت محمد(ص) می‌دهند، اشتراک عمل را در پیش و از قدرت‌های طاغوتی کناره بگیرند. شوروی و آمریکا ابرقدرت نیستند، بلکه ابرقدرت خداست.

**مجله «ندای اسلام» در شماره محرم الحرام ۱۴۰۹ نوشت:**

«این اقدام مجرمانه و کینه‌توزانه استعمار را نباید در حدود پاکستان محدود بدانیم، زیرا ممکن است چنین وقایعی در کشورهای دیگر جهان نیز واقع شود. این مطلب که دست انتقام استعمار از آستین کسی بیرون آمد، کاملاً واضح و روشن است... در مورد شهادت علامه عارف حسین حسینی دو مطلب قابل توجه است: یکی برملا شدن توطئه‌های ضد اسلام ناب محمدی و دوم ایجاد استحکام بیشتر در وحدت بین شیعه و سنی.

یقیناً این شهادت برای مردم پاکستان و شبه قاره هند، باعث آگاهی بیشتر خواهد شد، چون شهید عارف حسین حسینی دارای روحی بزرگ و سلامت نفس بود. او شخصیتی بسیار متواضع داشت و تمام کوشش‌های خود را به کار می‌برد تا بین همه طبقات مسلمین وحدت و انسجام ایجاد کند، لذا لبه تیز حملات تبلیغی وهابی‌ها همیشه به طرف او بود. شهادت این علامه بزرگوار راز توطئه استکبار جهانی و وهابی‌ها را علیه وحدت بین مسلمین و



**قتل علامه عارف حسین حسینی، نتیجه یک توطئه از پیش طرح‌ریزی شده استکبار جهانی است. ریشه‌های اختلاف و تفرقه‌ای که توسط مسلمان‌نماهای مزدور استعمار در میان صفوف مسلمانان ایجاد می‌شود، بر هر پاکستانی آگاهی آشکار است**

قوی رهبر شهید آن که عبارت است از وحدت بین مسلمین در پاکستان، بزند. برای از هم پاشیدن وحدت مسلمین انتخاب وقت و زمان مربوط به این حادثه دلیل دیگری بر توطئه دقیق استکبار و وهابی‌هاست.»

مقاله روزنامه «جمهوری اسلامی» ۱۵ مرداد ۱۳۶۷ - ۲۲ ذیحجه ۱۴۰۸:

**شهادت عارف حسین حسینی نقطه عطفی در نهضت جهانی اسلام:**

شهادت عالم مجاهد حجت‌الاسلام سید عارف حسین حسینی در شهر پشاور پاکستان که به دست عوامل استکبار صورت گرفت، بیش از هر چیز به نقطه عطفی در حکومت توفنده انقلاب اسلامی در پاکستان و به‌طور کلی شبه قاره هند تبدیل خواهد شد. این اقدام به‌خوبی نشان داد که استکبار درصدد انتقام گرفتن از انقلاب اسلامی از طریق ترور چهره‌های فعال آن در نقاط مختلف جهان است. اینکه این بار دست انتقام استکبار از آستین چه کسی درآمده، نکته‌ای است که تا حدودی قابل درک است. خون شهید عارف حسین قطعاً چهره کریمه استکبار را بیش از پیش افشا و حرکت را توفنده‌تر خواهد کرد. عاشقان نهضت جهانی اسلام نه تنها در پاکستان، بلکه در سراسر شبه قاره هند و نقاط دیگر جهان، پیام‌رسان خون شهید عارف حسین حسینی خواهند شد و خیل عظیم تشنگان اسلام ناب محمدی(ص) را از زلال قرآن سیراب و آنها را برای ریشه‌کن ساختن استکبار در سراسر جهان بسیج خواهند کرد. ■